

تلمیحات و اشارات قرآنی و احادیث در دیوان صفای اصفهانی

مژگان شریفی دارانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان داران

چکیده

تلمیح نمونه‌ای زیبا و دل‌انگیز از ایجاز است که در سراسر قلمرو ادبیات فارسی اعم از شعر و نثر انعکاس بسیاری دارد؛ این آرایه، پیوسته برای علاقه‌مندان پلی ارتباطی میان حال و گذشته بوده و ضمناً همچون آینه‌ای است که خوانندگان با آن گذشته‌ی تاریخی، اساطیری و فرهنگ غنی خود را مرور می‌کنند. این مقاله بر آن است تا با حفظ تعاریف سنتی تلمیح به دسته‌بندی انواع آن در دیوان صفای فریدنی بپردازد تا از این رهگذر جایگاه اساطیر، تاریخ و آیات و روایات دینی و تأثیر آن بر تفکر ادبی و عرفانی با صفای صفا، باز شناخته شود و غبار نشسته بر اوراق این دیوان متعالی قدری زدوده گردد و پرتو تجلیات این اشعار، روشن‌گر دل‌های خوانندگان این اثر والای ادبی باشد. محمدحسین صفای اصفهانی در سال ۱۲۶۹ ق در فریدن متولد شد و در ایام نوجوانی به تهران رفت و هنگامیکه موتمن السلطنه حاکم خراسان شد به مشهد رفت و تا پایان عمر در آنجا بود و در سال ۱۳۲۲ درگذشت. وی یکی از شاعران صاحب سبک و مشهور قرن سیزدهم است.

کلید واژه: تلمیح، آیات و روایات، اساطیر، صفای اصفهانی، شعر فارسی.

۱- مقدمه

گسترده‌گی ادب پارسی در دوره‌های مختلف ادبی، زیبایی‌ها و نوآوری‌های بدیع و شگفت‌انگیزی را پدیدار کرده است که بررسی بسیاری از آن‌ها به بازنگری و واکاوی نیازمند است تا خوانندگان با سبک خاص هنری شاعران و نویسندگان هر دوره آشنایی بیشتری پیدا کنند و باعث التذاذ ادبی بیشتر در خاطر ادب دوستان گردد. بخشی از این زیبایی‌ها و نوآوری‌ها در گسترده‌گی آرایه‌های ادبی می‌باشد که در این مقاله تلاش شده است آرایه‌ی تلمیح از مناظر مختلف در دیوان اشعار صفای فریدنی، بررسی و تحلیل گردد. «صفای فریدنی از شعرای سده‌ی سیزدهم می‌باشد که در سال ۱۲۶۹ هـ. ق در داران فریدن تولد یافته، سپس در روزگار جوانی به همراه برادر کهتر خود میرزا علی محمد، راهی تهران شده، در آن‌جا رحل اقامت افکنده است و از سال ۱۳۰۹ هـ ق در زمان وزارت مؤتمن السلطنه راهی خراسان شده است. قصایدی که در نعت و منقبت ائمه‌ی اطهار صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین می‌سرود به مسجد گوهرشاد می‌رفت و مقابل گنبد مطهر درنگ می‌کرد و اشعار خود را با کمال خشوع می‌خواند. صفا در زندگی همسر اختیار نکرد و تمام عمر را مجرد زیست و در اواخر سال ۱۳۱۴ رنجور شد، پهلو بر بستر نهاد و بیماری وی مدتی مدید امتداد یافت و در سال وبایی ۱۳۲۲ درگذشت و او را در مدرسه‌ی ملاتاج مشهد به خاک سپردند.» (صفای اصفهانی، ۱۳۶۲ مقدمه: ۳).

صفا شاعری حکیم و در علوم فلسفه و حکمت و تفسیر و کلام استاد بود، اشعارش حاوی نکات تصوف و آمیخته با اصطلاحات این علوم می‌باشد. غزلیاتش دارای اوزان سنگین و شیرین و ترکیبات دل‌نشین می‌باشد. در غزلیات شورانگیز این شاعر شوریده، ابتکار و ابداع و تقلید، فزونی دارد.

صفا به جز قصاید و مسمط و ترجیع و غزلیات و رباعیات، یک مثنوی نیز به سبک گلشن راز شیخ محمود شبستری دارد. سبک شاعری و طرز سخن صفا در غزلیات نزدیک به سبک عراقی و در سایر سروده‌ها بیشتر، سبک او خراسانی است؛ اما آنچه در این پژوهش بیشتر به آن پرداخته می‌شود تلمیح است؛ تلمیح در لغت به معنای اشاره کردن با گوشه چشم است و در اصطلاح آن است که «گوینده در ضمن کلام، به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، ۱۳۶۷: ۳۲۸).

دیوان صفا توسط سهیلی خوانساری تصحیح و بارها به چاپ رسیده است و دو پایان نامه درباره اشعار وی نوشته شده است: موسیقی شعر صفای اصفهانی پایان نامه کارشناسی ارشد از مینا هجرتی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۱۳۸۸ و پایان نامه کارشناسی ارشد از علیرضا وفایی با عنوان ویژگی‌های سبکی غزلیات صفا در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۱ نوشته شده است اما در باب تلمیحات شعر صفا کاری صورت نگرفته است.

به بیان خلاصه، تلمیح شامل اشارات مذهبی، تاریخی، اساطیری و ... می‌شود، بنابراین خواننده برای فهم و درک کامل شعر یا بیتی که در آن تلمیح به کار رفته است باید از داستان، واقعه، آیه یا حدیث آگاهی داشته باشد.

صفا در به کارگیری انواع تلمیحات یا هدفی کنایی داشته است یا برای شرح و تفسیر افکار عرفانی و فلسفی خود، خواننده را بیشتر با عمق کلام درگیر کرده است؛ در بررسی جامع آیات و روایات در این مقاله ضمن آوردن انواع آیات و احادیث به ذکر بیت و دسته بندی آنها اکتفا گردیده سپس به بسامد هر نمونه اشاره‌ای می‌شود.

۲- بحث و بررسی تلمیحات

۲-۱- تلمیحات و اشارات قرآنی

پژوهشگران مسلمان برای بازنمایی زیبایی‌های هنری و جلوه‌های اعجاز قرآن و بازگشایی بطن‌های تو در توی آن و شرح معارف و مبانی قرآنی در متون مختلف از آیات قرآنی استفاده کرده یا به آن‌ها اشاراتی داشته‌اند. اثرپذیری از قرآن در شعر، افزون بر این‌که نشانه‌ی دانشمندی و روشن‌فکری بود به نوشته‌های شاعران قداست می‌بخشید. صفای اصفهانی نیز که عارفی شوریده با اشعاری عرفانی و اسلامی است از آیات قرآنی استفاده‌ی بسیار کرده است و در تفهیم معانی پیچیده از آن‌ها کمک

گرفته است؛ گاهی تأثیرپذیری از آیات با اشاره به عبارت قرآنی است و گاه به ذکر چند واژه اکتفا کرده و گاهی تنها مضمونی از آیه را در سخن به کار برده است یعنی بیشتر به صورت تلمیح، تضمین و حل دیده می شود.

۲-۱-۱- تلمیح: "درفن بدیع عبارت است از این که شاعر یا نویسنده به آیه یا حدیثی اشاره کند بی آنکه صریحا متذکر استفاده خود باشد". (حلبی، ۱۳۷۳: ۵۰)

"از خویش و ز غیر خویش شد فانی باقیست به او فلیس هو الا" (صفا: ۱۳۶۲، ۲)

"کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام" (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)

"بر زمره اولیای ختمیین تو خاتم و هفت باب و چار ابنا" (صفا: ۱۳۶۳، ۴)

"ماکان محمد اباحدمن رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین... (احزاب، ۴۰)

تکرار مضمون بیت ۱۲۲۵ ص ۷۰-

"ای مرده ضلالت و بیهوشی شاگرد هوش باش مسیحا را" (صفا ۱۳۶۲، ۷)

"...و ابری الاکمه و الابرس و اخی الموتی باذن الله... (آل عمران، ۴۹)

تکرار مضمون بیت ۴۸۴۹ ص ۲۹۲-۴۹۶۲ ص ۲۹۸-

"موسی شنیدی و شجر وادی وان آتش تکلم و اصفا را" (صفا: ۱۳۶۲، ۷)

"فلما اتیها نودی من شاطی الوادی ایمن فی البقعه المبارکه من الشجره ان یا موسی انی انالله رب العالمین" (قصص، ۳۰)

"دهد سماری فرعون را شکست به نیل دلی که دارد آستین در بیضا" (صفا ۱۳۶۲، ۷)

"اسلک یدک فی جیبک تخرج بیضامن غیر سو... (قصص، ۳۲)

تکرار مضمون ص ۳۴ بیت ۵۳۸-

"بغیر او نبود هرچه هست پست و بلند بود همانکه بود پست جان من بالا" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)

"کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام" (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)

"به شهروحدت از جزو تا به کل همه اوست که هست باقی و بی مختمست و بی مبدا" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)

"هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم" (حدید ۳)

تکرار مضمون بیت ۹۱۲ ص ۵۲-بیت ۱۳۵۰ ص ۷۶-

"نی گنج قارون و چون گنج قارون بدامان تورا سیم و در آستین زر (صفا: ۱۳۶۲، ۴۴)

"ان قارون کان من قوم موسی فبغی علیهم و آتیناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوا بالعصبه اولی القوه... (قصص ۷۶)

"خلیل وقت شو این ماه و این خورشید آفل دان که یار از شرق دل تابید خورشید درخشانش" (صفا: ۱۳۶۲، ۶۲)

"فلما جن علیه اللیل رای الکوکب قال هذا ربی فلما افل قال لاحب الآقلین" (انعام ۷۶)

تکرار مضمون در بیت ۴۱۸۷ ص ۲۵۴-

"بر آدم من ار نشود ساجد گردن زخم که دشمن شیطانم" (صفا: ۱۳۶۲، ۶۷)

"واذقلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین" (بقره ۳۴)

"مگر تجلی ذاتی لمن یشا الخلق زند بکوه و شود پاره پاره از الهام" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۲)

"... فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا" (اعراف ۱۴۳)

تکرار مضمون بیت ۲۰۲۴، ص ۱۱۵-

"به آستین هیولی زنفخ صورت غیب دمید روح مقدس بعضو و عرق و عظام" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۳)

"فاذا سویته و نفخت فیه من روحی ففعلوا له ساجدین" (حجر ۲۹)

"بیان حکمت الصوم نیست سر سخن سپس که روزه مریم گرفته یودم من" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۹)

"فکلی واشربی وقری عینا فاماتین من البشر احدا فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا" (مریم ۲۶)

"برفلک شو چو روح و رهاکن دار و ز دارالامان خود کن مامن" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۱۶)

"اذقال الله یاعیسی انی متوفیک و رافعک الی ومطهرک من الذین کفروا..." (آل عمران ۵۵)

تکرار در بیت ۳۶۶۶ ص ۲۱۹-

"آتش نمرود شعله ور بود اما بهر خلیست لاله و گل و سوسن" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۱۷)

"قل یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم" (انبیا، ۶۹)

تکرار مضمون در بیت ۴۴۸۷ ص ۲۱۰-۳۷۹۳ ص ۲۲۶-

"روشنگر چشم پیر کنعانی از باد بیوی پیرهن گردد" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۰۷)

"اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا و اتونی باهلیکم اجمعین" (یوسف ۹۳)

"براهیم نبود آذر جان بود بعشاق براهیم و سماعیل در آن کوی فدا بود" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۲۶)

"... یابنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی انشا الله من الصابین" (صافات ۱۰۲)

"جز خدانایست خدارا زچه حکمت بمیان کعبه و بتکده و لات و منات آوردند

ازلست و ابد آیینه توحید صفا زنگ شرک و دغل این عزى و لات آوردند" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۲۸)

"فرایتم اللات و العزی و منوۃ الثالثۃ الاخری" (نجم ۱۹ و ۲۰)

"رسید وحی به زنبور نحل در کهسار مگر بود دل بیدار کمتر از زنبور" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۳۲)

"و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یعرشون" (نحل ۶۸)

"بنده مالک و مسجود ملک آدم منتظم معتدلیم" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۴۴)

"واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین" (بقره ۳۴)

"این باد و بساط بی سلیمان تو نیست آن نیست که در قبضه فرمان تونیست" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۸۰)

"ولسلیمان الریح عاصفة تجری بامرہ الی الارض التی بارکنا فیہ وکنا بکل شیء علیم" (انبیا ۸۱)

"بکنهش غیر اورا دسترس نیست در آن خلوت که کنه اوست کس نیست" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۸۳)

"لاتدرکہ الابصار و هویدرک الابصر و هو اللطیف الخبیر" (انعام ۱۰۳)

"ندارد بخل و فیاض قدیمست غنی الذات و وهاب کریمست" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۱۴)

"یاایهاالناس انتم الفقرا الی الله والله هو الغنی الحمید" (فاطر ۱۵)

۲-۱-۲- حل: "آوردن الفاظی از آیه یا حدیث در گفتار و نوشتار است." (حلبی، ۱۳۷۳: ۵۸)

"بر پیکر جمله خلعت لولاک بر تارک جمله تاج کرّمنّا" (صفا: ۱۳۶۲، ۴)

بیت در نعت رسول اکرم است.

"ولقد کرّمنا بنی آدم حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیرممن خلقنا تفضیلاً" (اسرا: ۷۰) تکرار

در بیت ۴۲۶۵ ص ۲۵۹

"تا دیده حور آشنا گردد با خاک قدوم عروه الوثقی" (صفا: ۱۳۶۲، ۴)

"...فقد استمسک بالعروه الوثقی لانفصام لهاوالله سمیع علیم" (بقره ۲۵۶)

"وادی به وادی این ره بی پایان پویم چو باد صرصر صحرا" (صفا: ۱۳۶۲، ۶)

"فاعدافهلکوا بریح صرصرعاتیہ" (حاقه، ۶)

تکرار در بیت ۷۸۶ ص ۴۶-بیت ۱۲۵۷ ص ۷۱-

"تن غرق بحر لا و دل عارف مر ناخدا سفینه الارا" (صفا: ۱۳۶۲، ۷)

اشاره به آیه لاله الا الله که مکرر در قرآن بکار رفته است.

تکرار در بیت ۵۹۶ ص ۳۳-بیت ۸۹۸ ص ۵۱-بیت ۴۴۲۸ ص ۲۶۹-بیت ۴۸۶۸ ص ۲۹۳-۵۲۶۲ ص ۳۱۱-

"تومرغ عرش و احمد معراجی طی کن مهالک شب اسرا را" (صفا: ۱۳۶۲، ۸)

"سبحان الذی اسرا بعد ه لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله" (اسرا: ۱)

- «خلد برین طاغی دوزخ را ماء معین یاغی غسلین را» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۲)

بیت از قصیده ای در منقبت علی (ع) است و میگوید لطف علی برای دوزخیان خلد است و برای نوشندگان آب جهنمی چون

چشمه بهشتی است.

«قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غوراً فمن یتیکم بماء معین» (ملک، آیه ۲۰)

"فلیس له الیوم ههنا حمیم و لاطعام من غسلین لایاکله الا الخاطئون" (حاقه: ۳۵-۳۷)

- "معدبان عذاب الیم دوزخ بعد مسافران بعید دیار مهلک را" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۳)
- "وان عذابیه هو العذاب الالیم" (حجر، ۵۰)
- "به شهر وحدت از جزو به کل همه اوست که هست باقی و بی مختم است و بی مبدا" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)
- "هو الاول و الاخر والظاهر والباطن" (حدید، ۳)
- تکرار در بیت ۴۶۶۴ ص ۲۸۴-۴۸۱۳ ص ۲۹۱-
- "طیور عرشی بام تجرد احدی صلا زنده زقاب دو قوس او ادنی" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)
- اشاره به معراج پیامبر و در مدح اوست «ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» (نجم، آیه ۹)
- "به سمت مشهد موجود لیس الا هو که هوست شاهد لا هوست شاهد الا" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)
- "الله لا اله الا هو الحی الحی القیوم...» (بقره، ۲۵۵)
- "چونقش دلم باغبان عشق دواند به ریشه و رگ دل آب ربی الاعلی" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۵)
- "سیح اسم ربک الاعلی" (اعلی، ۱)
- "شهان لم یلد و خسروان لم یولد که آخرین ولد بالغند و اول باب" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۹)
- "لم یلد و لم یولد" (اخلاص، ۳)
- "سیح اسم ربک الاعلی" (اعلی، ۱)
- «دلست طوبی ارباب دل که آیتشان خدای گوید طوبی لهم و حسن مآب» (صفا: ۱۳۶۲، ۲۳)
- در این بیت از قصیده به ارزش دل و حکمت و معارف اشاره داشته است.
- «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب» (رعد، آیه ۲۹)
- تکرار در بیت ۱۰۴۲ ص ۶۰-بیت ۱۲۶۱ ص ۷۲-بیت ۱۵۰۶ ص ۸۳-
- "که نفخ صور صرافیل عشق رایت اوست طراز پرده او آیت فلا انساب" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۳)
- "فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ ولا یتسائلون" (مومنون: ۱۰۱)
- «تویی غافر الذنب فیما تقدم تویی قابل التوب فیها تاخر» (صفا، ۱۳۶۲، ۴۸)
- بیت در ستایش ایزد است «غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول...» (غافر، آیه ۳)
- "لوا یح ارنی گوی کوهسار حریست تجلی که به موسی رسید در کوهسار" (صفا: ۱۳۶۲، ۵۱)
- "ولما جا موسی لمیقانتا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی...» (اعراف، ۱۴۳)
- "رندان می پرستش مست می الستش در دیکشان مستند آلوده زلالش" (صفا: ۱۳۶۲، ۵۲)
- "واذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم واشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالو بلی...» (اعراف، ۱۷۲)
- تکرار در بیت ۴۲۶۱ ص ۲۵۸-
- "قد قیامت دل هرگز دوتا نگرده از قامت اولوالامر پیداست اعتدالش" (صفا: ۱۳۶۲، ۵۳)
- "یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» (نساء، ۵۹)
- تکرار در بیت ۱۵۱۷ ص ۸۳-
- "دم انی انالله زد درون وادی ایمن برون از آستین بیضای دست پور عمرانش" (صفا: ۱۳۶۲، ۶۰)
- در مدح قطب هدایت، محمد (ص) می باشد و شاعر آن حضرت را میراث دار اعجاز موسی دانسته است.

«فلما اتاها نودی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المباركة... ان یا موسی انی الله رب العالمین» (قصص، ۳۰)
تکرار در ابیات ۲۴۸۴ ص ۱۴۱-۲۷۵۷ ص ۱۶۱-۳۲۸۲ ص ۱۹۲-۴۳۶۲ ص ۲۶۴-۴۵۸۹ ص ۲۷۷-۴۷۵۲ ص ۲۸۸-۵۴۱۸ ص ۳۲۲-۵۵۵۴ ص ۳۲۵-۵۷۲۴ ص ۳۳۳-۵۷۸۰ ص ۳۳۵-

"منم دربان سلطانی به عرش دل که دهلیزش رواق قاب قوسین است و اوادنی است ایوانش" (صفا: ۱۳۶۲، ۶۰)
"فکان قاب قوسین او ادنی" (نجم ۹)

تکرار در بیت ۳۰۴ ص ۱۴-۲۵۸۰ ص ۱۴۸-۴۰۶۵ ص ۲۴۷-۵۱۳۳ ص ۳۰۵-۵۶۶۱ ص ۳۳۰-

«به چه زین صورت و معنی که آدم بر ملک خواندی رموز علم الاسما و خاتم خواند نادانش" (صفا: ۱۳۶۲، ۶۱)

خدا کل اسما را به آدم آموخت و او بر ملایک سبقت گرفت و حال آنکه مقام محمد برتر است.

«و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائكة» (بقره، آیه ۳۱)

تکرار مضمون بیت ۹۸۶ ص ۵۵-بیت ۱۰۵۷ ص ۶۱-بیت ۲۰۰۳ ص ۱۱۴-۴۸۴۵ ص ۲۹۲-۴۸۹۶ ص ۲۹۵-

"بر آن سرند که پنهان تویی و خلق پدید بدید بین و بدرک عوام کالانعام" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۲)

"... اولئك كالانعام بل هم اضل واولئك هم الغافلون" (اعراف ۱۷۹) تکرار در بیت ۵۵۹۲ ص ۳۲۷

"سیم تجلی فیض مقدس ساری وجود منبسط ذوالجلال والاکرام" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۲)

"کل من علیها فان وبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام" (الرحمن ۲۶ و ۲۷)

"اگر دو عالم دشمن شوند لاتیاس بجرم وحدت و از شرک دوست لاتامن" (صفا: ۱۳۶۲، ۹۲)

"یابنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و اخیه و لاتیاسوا من روح الله انه لاییاس من روح الله الا القوم الکافرین" (یوسف ۸۷) تکرار

در بیت ۵۵۸۱ ص ۳۲۶

"مدیر نقطه دو موهوم گر نماند چه باک خدای ماند وبس لاتخف و لاتحزن" (صفا: ۱۳۶۲، ۹۳)

"الاتصروه فقد نصره الله اذا اخرجه الذین کفروا ثانی اثنین اذهما فی الغار اذ یقول لصاحبه لاتحزن ان الله معنا..." (توبه ۴۰)

تکرار در بیت ۵۵۸۲ ص ۳۲۶

- «می توان دادن طلوع آفتاب از جیب جاه لیک باید بر در شمس الضحی دربان شدن» (صفا: ۱۳۶۲، ۹۵)

در مدح ثامن الائمه و توصیف بارگاه خورشیدسان اوست.

«والشمس و ضحیها و القمر اذا تلیها...» (شمس، آیات ۱ و ۲)

"از گوهر پاک گنج پنهان از مشرب صاف سلسبیلند" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۶۳)

"ویسقون فیها کاسا کان مزاجها زنجیلا عینا فیها تسمى سلسبیل" (انسان ۱۷ و ۱۸)

تکرار مضمون در بیت ۵۳۶۷ ص ۳۱۶

"بعد از فنا تجلی توحید حق بدل نازل شد از تنزل روح الامین ما" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۷۴)

"نزل به روح الامین" (شعرا ۱۹۳)

"ما آن دائمیم که جمع است در وجود صبح الست ما و دم واپسین ما" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۷۴)

"واذ اخذنا ربک من بنی آدم من ظهورهم واشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالو بلی..." (اعراف ۱۷۲)

تکرار در بیت ۴۴۱۹ ص ۲۶۸-

"هر آنچه هست در این کارگاه کن فیکون نهاده پای بهستی پی بهانه ماست" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۸۴)

"انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون" (یس ۸۲)

تکرار در ابیات ۳۴۶۸ ص ۲۰۹-۵۴۱۲ ص ۳۱۹-

"بر خاست و راست شد قیامت سبحان الله این چه بالاست" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۹۳)

"فلما جائها نودی ان بورک من فی النار ومن حولها و سبحان الله رب العالمین" (نمل ۸)

"کاخ کونین خرابست و خرابات صفاست که بطاقش نرسد از صعق صور شکست" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۰۰)

"ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الامن شاء الله ثم نفخ فیہ اخری فاذا هم قیام ینظرون" (زمر ۶۸)

"رموز عشق ز ام الکتاب سینه خویش فراگرفته و مستغنی از کتاب شدند" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۲۷)

"وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم" (زخرف ۴)

"بلقیس مجرد شو زی صرح ممرد شو بابخت موید شو برتخت سلیمانی" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۷۳)

"...قال انه صرح ممرد من قواریر قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین" (نمل ۴۴)

"چه باشد سر یوم حشر رحمان مگر بیرون بود از حشر انسان" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۹۰)

"ویوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون" (نمل ۸۳)

"به فرقان مغز دانش را قوی کن نظر در آیه هل یتوی کن" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۹۲)

"... قل هل یتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون...!" (زمر ۸)

"به فرقان مغز دانش را قوی کن نظر در آیه هل یتوی کن" (صفا: ۱۳۶۲، ۲۹۲)

اشاره شاعر در این بیت به ارزش علم آموزی و دانش قرآنی است.

"قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون" (زمر، آیه ۹)

"خدایا بینش مارا قوی کن صراط ما صراط مستوی کن" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۰۳)

"اهدنا الصراط المستقیم" (حمد ۶)

"دویی بر کند بند و بیخ خرگاه علم زد آیت الملك لله" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۰۴)

"لمن الملك الیوم لله الواحد القهار" (ابراهیم ۱۶)

- «دهد یک دانه هفصد دانه حاصل به نص آیه سبع سنابل» (صفا: ۱۳۶۲، ۳۰۷)

صفا می گوید که وقتی انسان در درگاه الهی جان می دهد لطف جانان هفت صد جان به او میدهد.

«...کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مئه حبه» (یوسف، آیه ۴۳)

تکرار در بیت ۱۳۷۲ ص ۷۷-۵۱۶۳ ص ۳۰۷-

"چو موسی طبل ارنی زد به نوبت شرر زد بر ملایک نار غیرت" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۲۵)

"...قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولكن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی" (اعراف ۱۴۳)

تکرار در بیت ۵۸۷۹ ص ۳۲۶-۵۵۸۱ ص ۳۲۶-۵۵۹۱ ص ۳۲۷-

"دل اندر های وهوی لاتذرنی زبان در گفتگوی رب ارنی" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۲۶)

"وزکریا اذنادی ربه لاتذرنی فردا وانت خیر الوارثین" (انبیا ۸۹)

"یکی را لن ترانی برده از دست یکی از باده لاتقنطوا مست" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۲۶)

"لاتقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا" (زمر ۵۳)

"میی کز ساغر حبل المتین است خم او رحمه للعالمین است" (صفا: ۱۳۶۲، ۳۳۵)

"وما ارسلناک الا رحمه للعالمین" (انبیا ۱۰۷)

۲-۱-۳- تضمین: "گوینده عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی هیچ گونه تغییر یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گزیری نیست در سخن خود جای دهد". (راستگو: ۱۳۹۳، ۳۰)

"بگذشته از این که علم انسان مالم یعلم ستایمش زان سا" (صفا: ۱۳۶۲، ۲)

"علم الانسان مالم یعلم" (علق، ۵)

"مکان عقل فلاطون لامکان آمیخت بخاک فاعتبرو یا اولی الالباب" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۹)

"یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المومنین فاعتبروا یا اولی الابصار" (حشر: ۳)

"در نبی گفت وفی انفسکم هومعکم این معیت را عینیت تبیان منست" (صفا: ۳۸، ۱۳۶۲)

"هومعکم این ماکنتم والله بماتعلمون بصیر" (حدید، ۴)

"مظهر او تویی ای مظهر و ظاهر همه او غیر اونیست اگر هست قل الله فذر" (صفا: ۱۳۶۲، ۴۲)

"علمتم مالم تعلموا انتم ولا اباوکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون" (انعام، ۹۱)

تکرار در بیت ۱۰۶۵ ص ۶۲-

- «به گوش او لمن الملک زد مهین فرد شنید باز که لله واحد القهار» (صفا: ۱۳۶۲، ۵۰)

در نعت رسول اکرم بیت را آورده است. «لمن الملک الیوم لله الواحد القهار» (ابراهیم، آیه ۱۶)

- ملک من از نفخه صعق هله فانی است مملکت کل من علیها فانم» (صفا: ۱۳۶۲، ۷۶)

شاعر در وصف کمالات انسانی این بیت را آورده است.

«کل من علیها فان و یقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» (الرحمن، آیه ۲۶)

"چه غم ز تیر بلا لاله الا هوست تن مرا گه باران تیر چون جوشن" (صفا: ۱۳۶۲، ۹۱)

"الله لا اله الا هو الحی القيوم لاتاخذہ سنه ولا نوم له مافی السموات و الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنہ" (بقره ۲۵۵)

تکرار در بیت ۳۲۷۶ ص ۱۹۲-

«هو الله الذی لا شک فیہ یفر المرء فیہ من اخیه» (صفا: ۱۳۶۲، ۳۱۲)

این بیت را در باره سیر و سلوک آورده است. «یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه...» (عبس، آیه ۳۴)

«یکی را کرده لا تحزن طربساز یکی بشنیده از لا تا من آواز» (صفا: ۱۳۶۲، ۳۲۶)

بیت را در سیر اهل اسرار و حقیقت و اعتبار آن بیان کرده است.

«اذا اخرجہ الذین کفروا ثانی اثنین اذ هما فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا» (توبه: ۴۰)

۲-۲-تلمیحات و اشاره به احادیث و روایات

شاعرانی که شعر را در خدمت تبلیغ دینی نهادند و یا آنرا جلوه‌گاه عرفان و تصوف ساختند و یا در قالب وعظ و پندهای اخلاقی برای راهنمایی مردم استفاده کردند در گذر زمان از احادیث و روایات اسلامی به شیوه‌ای پسندیده کمک گرفتند. صفای اصفهانی در دیوان اشعار خود، تبلیغ و ترویج دین، مواظب اخلاقی و عرفان و تصوف را جهت آگاهی و راهنمایی مخاطبان خود به کار برده است، لذا اشاره به احادیث در شعر او جایگاه والایی دارد که این اثرپذیری یا پیدا و آشکار است و از احادیث با همان ساختار عربی استفاده کرده یا به صورت پوشیده و پنهان، مضمون یا تصویری از حدیث و روایت را در سخن خویش به صورت تلمیح، تضمین و حل آورده است.

۲-۲-۱- تلمیح:

«خدا چشم است و گوش و دست و پایش

هوایش مرده در پای خدایش»

(صفا: ۱۳۶۲، ۳۳۳)

این بیت در سلوک عارف در سفر دوم از اسفار اربعه است.

«فاذا احببته کنت له سمعا و بصرا و لسانا و یدا بی یسمع و بی یبصر و بی ینطق و بی یبطش» (مجلسی: ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ۸۲)

(صفا: ۱۳۶۲، ۳۷)

«حسن ولایت تو فرو بارد

بر آسمان ترفع و تحصین را» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۱)

در منقبت علی (ع) و ولایت و دوستی آن حضرت این بیت را سروده است.

«ولایت علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» (حسکانی: ۱۴۱۱ ق، ۷۴)

«می نیرزد به کف خاک من آبادی کون این چه گنج است که در خانه‌ی ویران من است»
در توصیف انسان و قدر و جایگاه الهی او این بیت را آورده است.
«کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لا عرف» (گیلانی: ۱۳۴۳، ۱۰۸)
تکرار در ابیات ۲۶ ص ۲-۲۲۱۰ ص ۱۲۴-
«مبند دل تو ز امری به ملک دنیی خلق که ملک دنیی چون جیفه است و خلق کلاب»

(صفا: ۱۳۶۲، ۱۹)

این بیت نیز در موعظه انسان و کسب معرفت آمده است و بی قدری دنیا در نظر عارف.
«الدنیا جیفه و طلاها کلاب» (شهیدی: ۱۳۶۸، ۴۷۷)
تکرار مضمون در بیت ۲۸۴۵ ص ۱۶۵-
"تویی بر صورت رحمن و نفس تست شیطان دل مرا این ابلیس را یا سر ببر یا کن مسلمانش" (صفا: ۱۳۶۲، ۵۹)
"اسلم شیطانی بیدی" (مجلسی: ۲۸۳، ۱۲۹۴، ج ۶۰)
تکرار مضمون در ابیات ۱۰۵۸ ص ۶۱-۱۱۵۶، ص ۶۷-۱۶۹۳، ص ۹۴
«خدای گفت که عرش من است دل آری ولی دل من بر گفت من خداست گوا» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۵)
این بیت و بیت بعد را در معارف و کسب حکمت و ارزش دل و جان انسان آورده است.
«ان قلب المؤمن عرش الرحمن» (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۵۸، ۲۹)
«بیا و پیش تر از فوت خویش شو فانی ز خود که در ظلمات فناست آب بقا» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۴)
«موتوا قبل ان تموتوا» (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۶۹، ۵۷)
«فرقان به دیو خوانده چه غم پورا دیو ار گریزد از فر فرقانم» (صفا: ۱۳۶۲، ۶۸)
در نکوهش اهل دنیا و کسب معارف الهی و جایگاه قرآن در زندگی این بیت را آورده است.
«لا تجعلو بیوتکم مقابر، ان الشیطان یفر من البیت الذی تقرأ فیہ سورۃ البقره» (الکلبانی: ۱۳۹۰، ۵۵۸)
"البیت الذی یقرأ فیہ القرآن و یدکر الله عزوجل فیہ تكثر وتحضره الملائکه و یهجره الشیطان" (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۱۵: ۳۲) تکرار
مضمون در بیت ۵۲۲۲ ص ۳۰۹
«با روح قدس همراه بودیم و بماند از من من بال نیفکندم بی روح قدس تازم» (صفا: ۱۳۶۲، ۲۵۶)
این بیت را در مقام خلیفه الهی بودن انسان و مقام عارف سروده است.
«لیس لی ان اجوز هذا المکان و لو دنوت انمله لاحترقت» (ابن شهر آشوب: ج ۱، ۱۷۸)
تکرار مضمون بیت ۱۵۳۸ ص ۸۵-بیت ۴۲۳۲ ص ۲۵۶-۳۷۳۵ ص ۲۲۳-

۲-۲-۲- حل:

«مزن دری که نباشد در مدینه علم و یازده خلف آن باب فیض بواب» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۹)
در قصیده ای در منقبت مولای متقیان و ائمه اطهار این بیت را آورده است.
«انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب» (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۴۰، ۲۰۰)
«یا نبی اربک معنی بود این کشتی نوح تا کنی بر قدم نوح از این بحر گذر» (صفا: ۱۳۶۲، ۴۳)
اشاره به معراج پیامبر و سوار شدن بر براق: «قال جبرئیل: اربک یا محمد...» (عتیق نیشابوری: ۱۳۵۳، ۱۹۳)
"انسیه حورا سبب اصل اقامت اصلی که ببالید بدو نخل امامت" (صفا: ۱۳۶۲، ۱۲۹)
"ان فاطمه خلقت حوریه فی صورۃ انسیه" (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۷۸، ۱۱۲)
«حقیقت او مقصود سر لولاک است طریقت او قیوم راه انسانی» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۵۴)
این بیت در مسقط بهاریه صفا در منقبت ولی عصر (عج) آمده است.

لولاک لما خلقت الافلاک (فروزان‌فر: ۱۳۶۱، ۱۷۲)
مضمون این حدیث در بیت ۶۷ ص ۴ و ۲۶۷۵ ص ۱۵۴ آمده

۲-۲-۳- تضمین:

"خدای فرمود الصوم لی با حمد پاک که جان زنده دلانش نیازمند بدن" (صفا: ۱۳۶۲، ۸۹)
"قال رسول الله: قال الله عزوجل الصوم لی و انا اجزی به" (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۶۵، ۲۸۴)
«گفت احمد بین جنبیکم لکم اعدا عدو این کلام الله را نتوان محقر داشتن» (صفا: ۱۳۶۲، ۱۰۷)
این بیت رادر بیان معارف و مذمت نفس و توانگرساختن آن با بی برگی سروده است.
"اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک" (مجلسی: ۱۲۹۴، ج ۶۷، ۶۴)

نتیجه‌گیری

از مجموعه بررسی‌ها پیرامون تلمیحات در دیوان صفای اصفهانی چنین استنباط می‌شود که آیات و احادیث پیامبر (ص) و قصص قرآنی و داستان‌های پیامبران جایگاهی خاص در اشعار صفای اصفهانی دارد و این ناشی از دین‌داری و اعتقادات مذهبی شاعر می‌باشد. با توجه به علاقه‌ی خاص شاعر به تفکرات عرفانی از میان پیامبران، حضرت رسول اکرم (ص)، عیسی (ع) و موسی (ع) بیشتر مورد توجه بوده‌اند و در میان عارفان و صوفیان منصور حلاج بیش از دیگران در تلمیحات صفا خودنمایی می‌کند. اشاره به اساطیر و شخصیت‌های شاهنامه نیز غالباً دیده می‌شود. در مجموع آیات قرآنی، احادیث و پیامبران از بسامد بالایی برخوردارند و همان‌گونه که در بخش‌های مربوط اشاره شد برخی آیات و احادیث بسیار مورد اشاره بوده‌اند. باتوجه به بسامد آیات و روایات در اشعار صفا بیشترین کاربرد را آیات و روایات ذیل داشته‌اند:

آیات:

آیه ۳۰ قصص ۱۲ بار

آیه ۹ نجم ۷ بار

آیه ۳۱ بقره ۶ بار

آیه ۱۴۳ اعراف ۶ بار

آیه ۳ حدید ۵ بار

آیه ۱۷۲ اعراف ۴ بار

آیه ۲۹ رعد ۴ بار

آیه ۶ حاقه ۳ بار

آیه ۴۹ آل عمران ۳ بار

آیه ۸۲ یس ۳ بار

آیه ۴۳ یوسف ۳ بار

بسیاری از آیات ۲ بار و مابقی یک بار در اشعار صفا بکار رفته‌اند.

روایات:

روایت: اسلم شیطانی بیدی... ۴ بار

روایت: ولو دنوت انملة لاحترقت... ۴ بار

روایت: لولاک لما خلقت الافلاک... ۳ بار

روایت: کنت کنزا مخفیا... ۳ بار

روایت: الدنيا جيفة وطلابها کلاب... ۲ بار

روایت: ان الشيطان یفر من ... ۲ بار

و سایر روایت ها هر کدام یک بار بکار رفته اند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، تصحیح رسولی، هاشم و آشتیانی، محمدحسین، نشر علامه، قم.
۳. الالبانی، ناصرالدین، ۱۳۹۰، سلسله الاحادیث الصحیحه، نشر معشره تهران.
۴. حسکانی، حاکم، ۱۴۱۱ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ترجمه‌ی یعقوب جعفری، انتشارات وزارت ارشاد، تهران.
۵. حلبی، علی اصغر، ۱۳۷۳، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، تهران.
۶. راستگو، سیدمحمد، ۱۳۹۳، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ یازدهم، تهران.
۷. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۶۸، ترجمه‌ی نهج البلاغه، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
۸. صفای اصفهانی، ۱۳۶۲، احمد، دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی، تصحیح سهیلی خوانساری، انتشارات اقبال، تهران.
۹. عتیق نیشابوری، ابوبکر، ۱۳۵۳، تفسیر سور آبادی، تصحیح سعیدی سیرجانی، چاپ از نسخه‌ی کهن، تهران.
۱۰. فروزان فر، بدیع الزمان، ۱۳۶۱، احادیث مثنوی، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۱. گیلانی، عبدالرزاق، ۱۳۴۳، ترجمه‌ی مصباح الشریعه، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۲۹۴، بحار الانوار، چاپ سنگی، طبع کمپانی.
۱۳. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴ ق، لوامع صاحبقرانی مشتهر به شرح الفقیه، ناشر مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۱۴. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۶۷، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات هما، چاپ چهارم، تهران.

Quranic Allusions in Safa Isfahani's Court

Mozhgan Sharifi Darani

Master of Persian language and literature education secretary in daran ferydan

Abstract

This beautiful allusion beautiful example of brevity throughout the territory of Persian literature poetry and prose reflecting many. This array forgamers continuous bridge between the present and the past and also asa mirror that readers with its historical past and its rich cultural mythology browsing. This articale seeks to maintain traditional definitions allusion to classify it in the courts refinement fereydani to thereby position mythological historical and religious traditions and verses and their impact on literary and mystical thinking safa be recognized the super me court removed some dust and dust sitting on papersrays manifestations of these poems enlightening the hearts of the readers of this great work of literature. Safa is one of the poets and famous thirteenth century.

Keywords: allusions, verses and hadiths, myths, refinement, Isfahan, Persian poetry.
